

عنوان مقاله:

بازنمایی وطن در میان ذهنیت مهاجران: رهیافتی نظری به دیاسپورای ایرانی

محل انتشار:

فصلنامه علوم اجتماعی، دوره 26، شماره 87 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

نویسنده:

سعیده سعیدی - استادیار انسان‌شناسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

خلاصه مقاله:

در سال‌های اخیر مهاجرت به تجربه‌زیسته بسیاری از ایرانیان مبدل شده است. مطالعه دیاسپورای ایرانی پیش‌درآمد فهم روابط فراملی و همچنین بازگشت به عنوان استراتژی مهاجران در ارتباط با کشور مبدا است. این پژوهش با تمرکز بر جامعه مهاجران ایرانی در کشور آلمان به دنبال شناخت مختصات دیاسپورای ایرانی است که از خلال آن تصویری جامع از میان‌ذهنیت مهاجران نسبت به مفهوم وطن، ارتباط با آن و همچنین فهم تعاملات دیاسپوریک ارائه نماید. این مطالعه در چارچوب پارادایم کیفی و با رویکردهای مردم‌نگارانه به صورت میدانی انجام شده و تکنیک‌های گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختار یافته (۴۸ مهاجر ایرانی ساکن آلمان) و مصاحبه متخصصان (۹ انجمن فعال مهاجران)، مشاهده مشارکتی و بررسی‌های اسنادی است. دلایل متعددی همچون زمان مهاجرت، انگیزه‌های خروج از کشور، تنوع قومیتی، مذهبی، سوگیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک، مرزبندی‌های نسلی، وضعیت اقامتی، پایگاه طبقاتی و همچنین نحوه ارتباط با کشور مبدا منجر به پیرنگ شدن مرزهای هویتی در میان مهاجران ایرانی شده به طوری که دیاسپورایی ناهمگون، متنوع، پیچیده، چهل تکه و چندلایه را شکل داده است. این مساله در مصرف فرهنگی مهاجران و همچنین جغرافیایی زدایی از وطن نمود یافته و به ضعف هویت دیاسپوریک و تعاملات درون دیاسپورا منجر شده است. همچنین مفهوم وطن به عنوان برساختی متصور در میان‌ذهنیت دیاسپورا ایرانی در آلمان سه بعد معنایی عاطفی/فرهنگی، ملی/جغرافیایی و مذهبی/سیاسی داشته و وابستگی مهاجران به وطن در سه سطح وابستگی قوی، وابستگی پاندولی و وابستگی ضعیف قابل تحلیل است.

کلمات کلیدی:

دیاسپورا، وطن، فراملی گرایی، ایرانیان در آلمان، میان‌ذهنیت، هویت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1801834>

